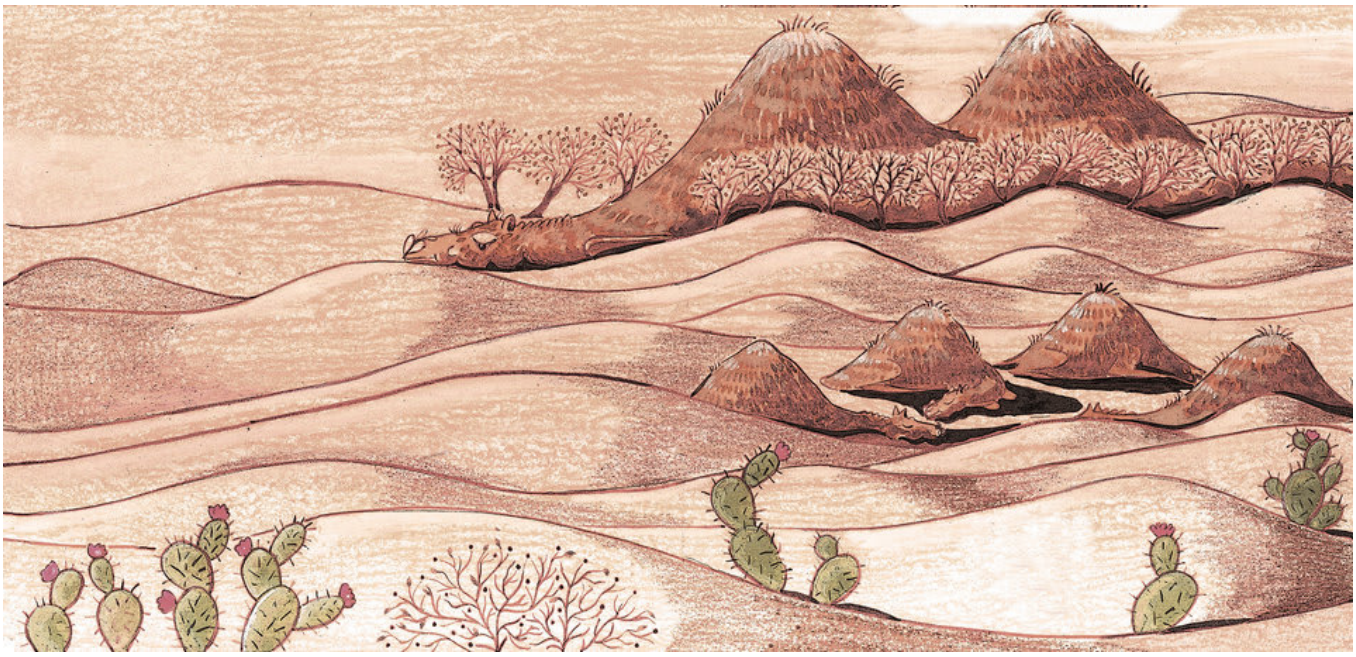

کوه رونده

بود و نبود، غیر از خدا هیچکس نبود. یک شتر بود که روزی در صحرا با توفان مواجه شد و در زیر ریگ‌ها بند ماند. فقط کوهانش دیده می شد و بس. دو سنگ‌پشت، کوهان شتر را دیده، خیال کوه کردند و روی آن بالا شدند. اما، وقتی این «کوه» شروع به راه رفتن کرد، سنگ‌پشت‌ها او را «کوه روان» نام ماندند. وقتی چند بار، شتر راه کوه روان خطاب کردند، او به جستجوی کوه واقعی پرداخت. آیا او می‌تواند آن را پیدا کند؟

Room to Read®

کوه روان
نویسنده: منوهر چامولی
نقاش: جیتندرا تاگور
برگردان به انگلیسی: گوری سرنیدهی
برگردان به فارسی: کتاب‌خانه‌ی دانش
برگرداننده به فارسی: ملیحه بهرام

بود نبود در زمان های قدیم, یک شتر بود. این شتر بسیار بزرگ بود.
شترهای دیگر یک کوهان داشتند، اما او دو کوهان داشت.
از این سبب این شتر به خود افتخار می‌کرد و از دیگر شترها فاصله می‌گرفت.

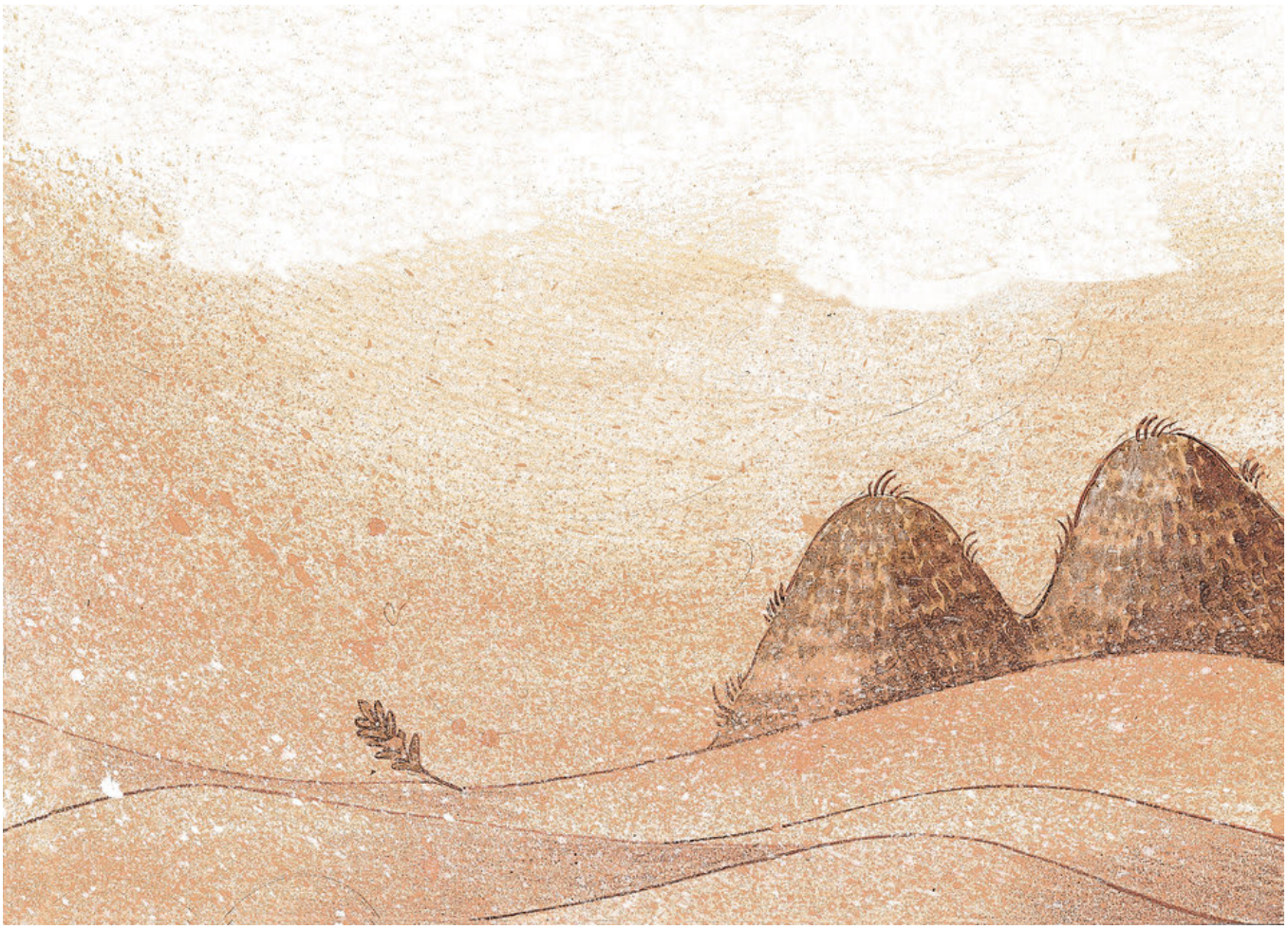

یک روز, توفان ریگی شدیدی در بیابان پیچید. همه جا را گرد و خاک فرا گرفته بود. شتر را خواب برده بود و از توفان خبر نداشت. او هیچ دوستی هم نداشت تا او را بیدار کند. به زودی، ریگ و خاک دور او جمع شده بودند و تنها دو کوهانش معلوم می‌شد.

به زودی دو سنگ‌پشت صحرایی از راه رسیدند.
آن‌ها شروع به بالا و پایان رفتن از کوهان شتر کردند و با هم مسابقه می‌دادند.

ناگهان، شتر از خواب بیدار شد و از زمین برخاست. سنگ‌پشت‌ها که ترسیده بودند، فریاد زدند، "بدو! این یک کوه روان است!"
"بدو" آنها فریاد زدند. "این یک کوه رونده است!"

روز بعد، هوا بسیار گرم بود. شتر به دریاچه نردیک رفت تا خود را سرد کند. او داخل آب شد و دراغماق دریاچه فرو رفت. تنها
کوهانش معلوم می‌شد و بس.
در این وقت، دو بقه آمدند و روی پشتش بالا شدند و میله‌ی کوچکی را در آن جا برگزار کردند.

زمانی که غروب فرا رسید. شتر خود را بلند کرد و از آب برخاست. بقه‌ها با ترس از پشت شتر خیز زدند و فریاد زدند، "بدو، این یک کوه رونده است!" شتر حیران مانده بود و فکر می‌کرد که چرا همگی او را کوه صدا می‌کنند.

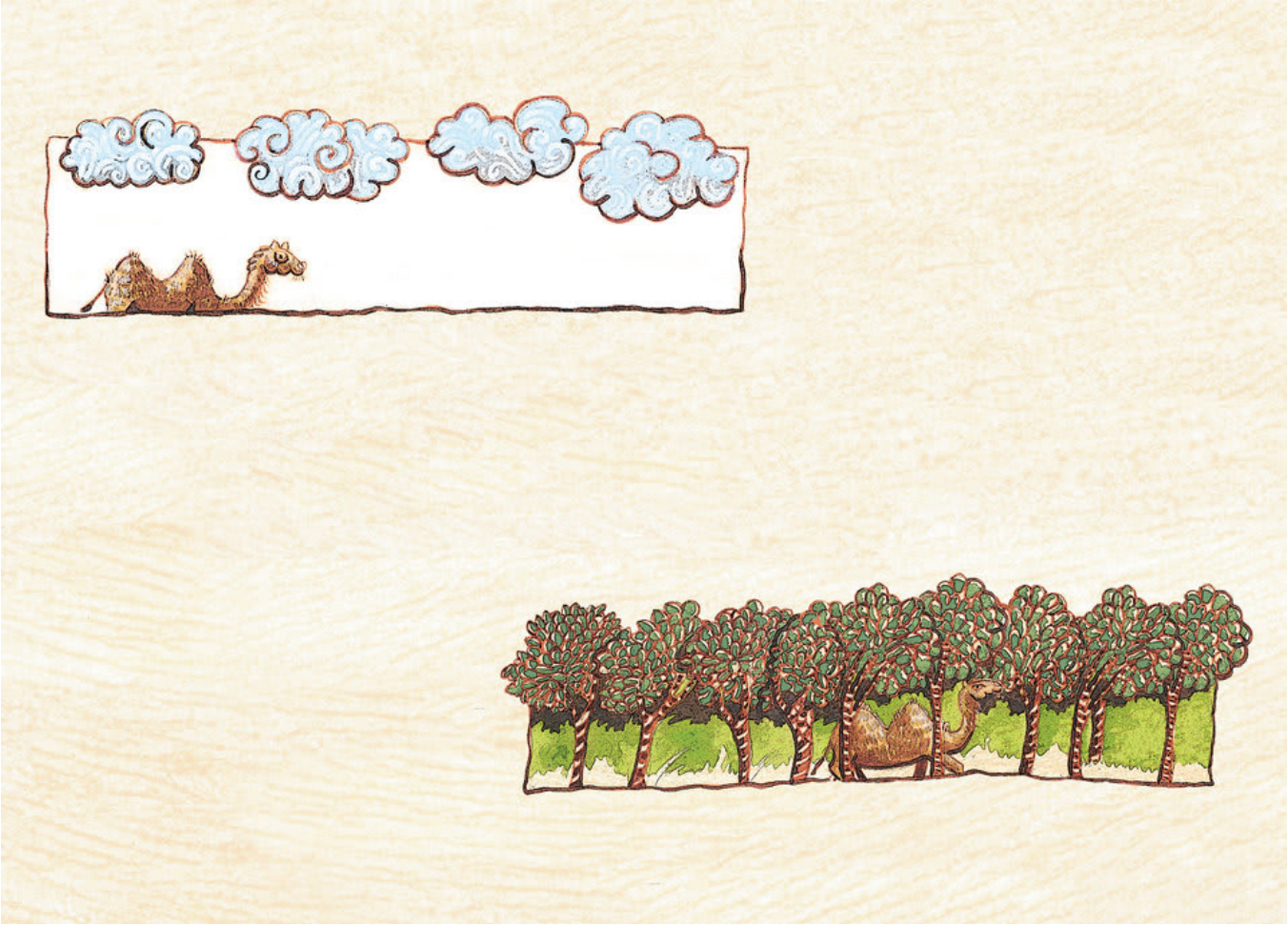

او تصمیم گرفت تا به جستجوی یک کوه برود تا ببیند که کوه چی است.
در راه، او از یک جنگل عبور کرد.

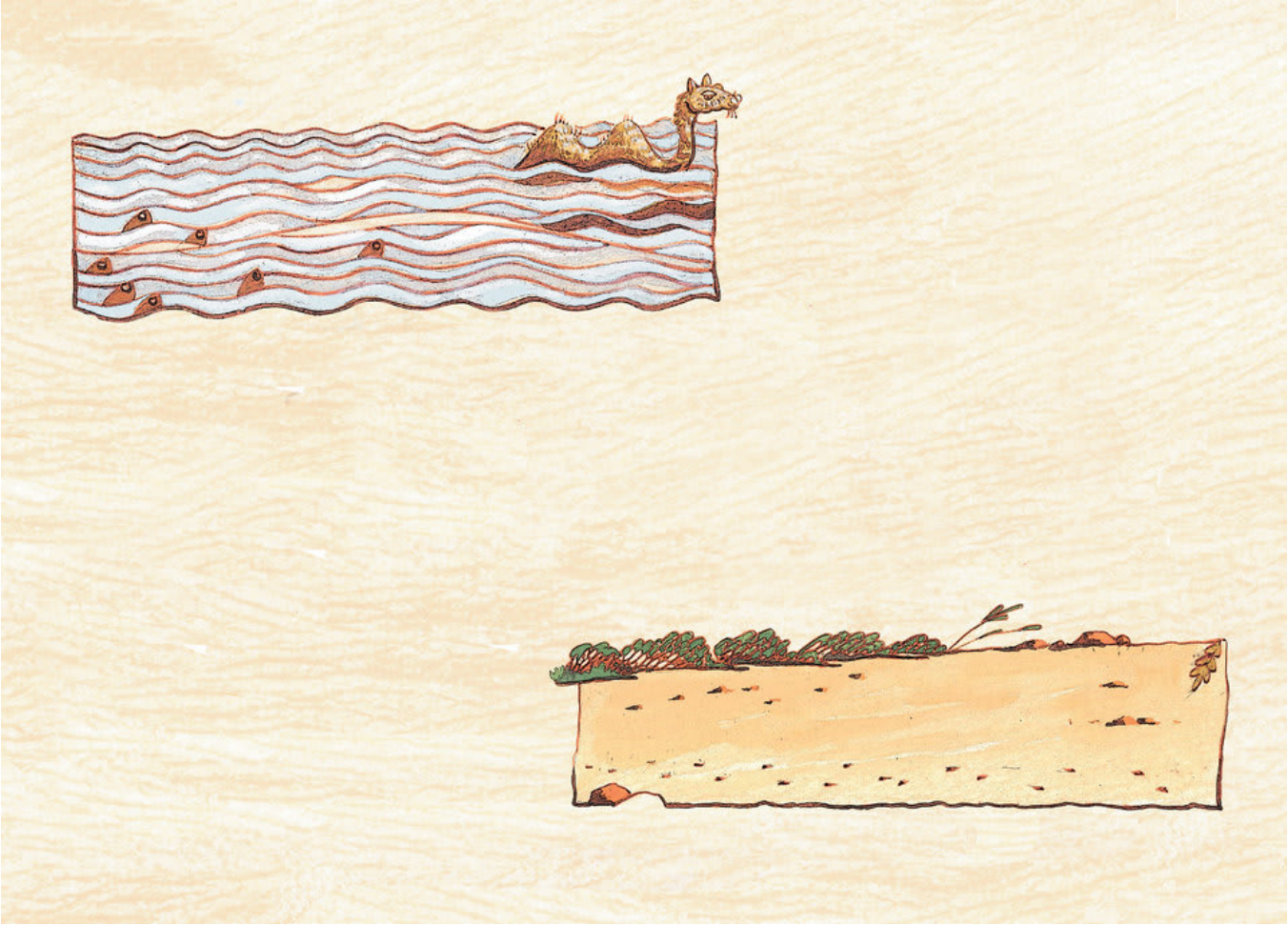

او از دریاها عبور کرد و از دشت‌ها گذشت.

به زودی، تاریکی فرا رسید. شتر خسته و ذله روی زمین دراز کشید و خوابید. آن شب برف سنگینی بارید.

روز بعد، همه جا پر از برف بود. تنها کوهان شتر دیده می‌شد.

در این وقت دو موش از کدام جایی آمدند. آن‌ها به کوهان شتر بالا شدند و به دویدن پشت یکی دیگر شروع کردند.

کارها موش‌ها شتر را قتقتک داد و او از خواب بیدار شد. شتر خود را بلند کرد و از زمین برخاست.
موش‌ها ترسیدند و در حالی که می‌گریختند، گفتند، "بدو، بگریز. این یک کوه رونده است!"
در همان لحظه، شتر اتفاقا یک کوه پوشیده از برف را در مقابل خود دید.

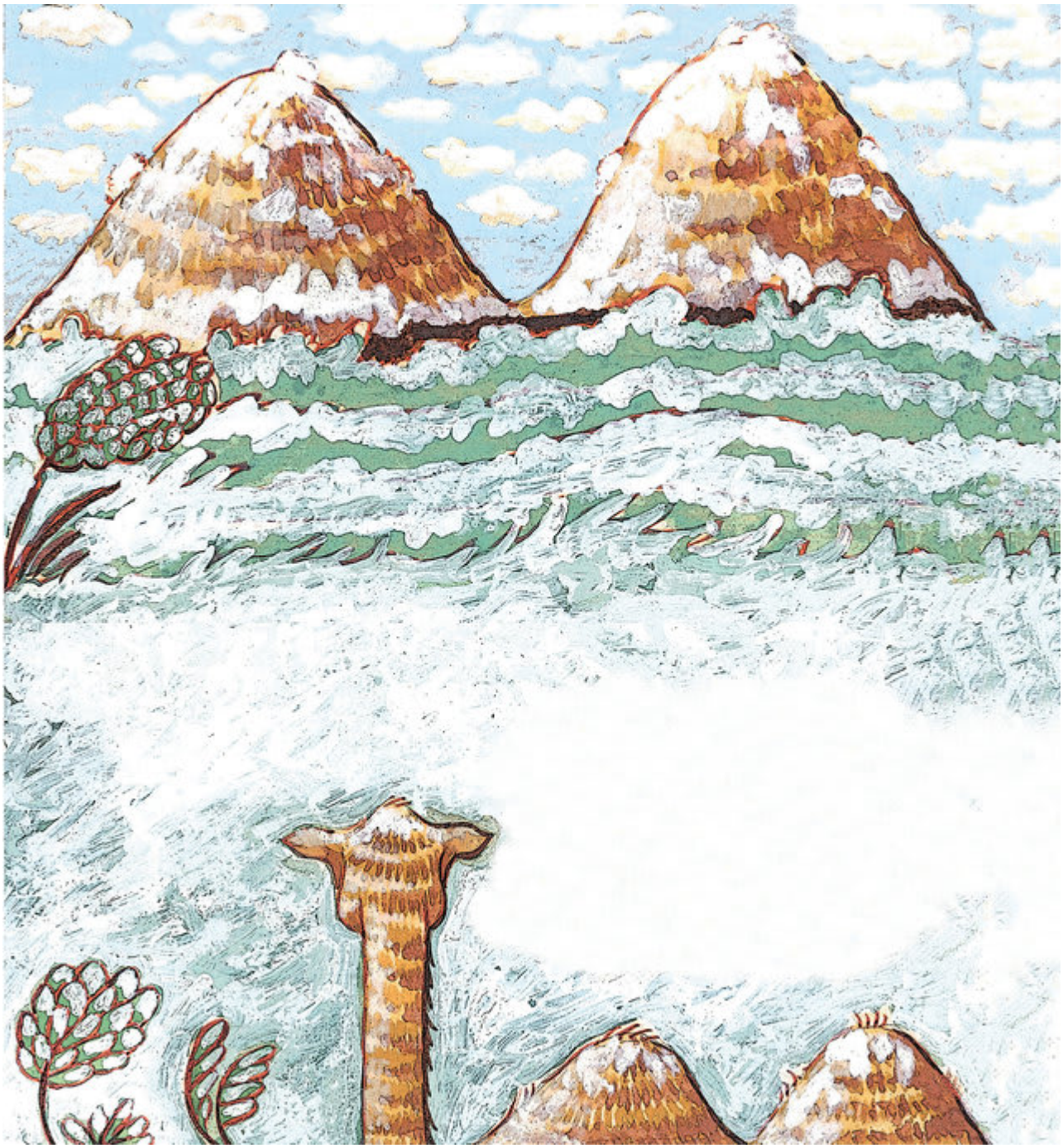

او با دیدن کوه فریاد زد "او خدای من،، چه شتر بزرگی!"

This book was made possible by Pratham Books' StoryWeaver platform. Content under Creative Commons licenses can be downloaded, translated and can even be used to create new stories provided you give appropriate credit, and indicate if changes were made. To know more about this, and the full terms of use and attribution, please visit the following link.
Story Attribution:
This story: 'The Walking Mountain' is translated byGouri Srinidhi. The © for this translation lies with Room to Read, 2018. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Based on Original story: '□□□□ □□□□□', by Manohar Chamoli. © Room to Read , 2016. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license.
Other Credits:
This story 'The Walking Mountain' has been published on StoryWeaver by Room to Read.
Images Attributions:
Cover page: A desert landscape, byJitendra Thakur© Room to Read, 2016. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 2: A caravan of camels in a desert, by Jitendra Thakur© Room to Read, 2016. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 3: A sandstorm, by Jitendra Thakur© Room to Read, 2016. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 4: Two tortoises climbing a hillock in a desert, by Jitendra Thakur© Room to Read, 2016. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 5: Two tortoises leaping off a camel's hump, by Jitendra Thakur© Room to Read, 2016. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 6: Two frogs sitting on a camel's hump, by Jitendra Thakur© Room to Read, 2016. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 7: Two frogs leaping off a camel's hump, by Jitendra Thakur© Room to Read, 2016. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 8: Two scenes showing a camel walking under clouds and through a forest, by Jitendra Thakur© Room to Read, 2016. Some rights

reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 9: Two scenes showing a camel swimming and a piece of dry land, by Jitendra Thakur© Room to Read, 2016. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 10: A camel curling up to sleep at night, byJitendra Thakur© Room to Read, 2016. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Disclaimer: https://www.storyweaver.org.in/terms_and_conditions

Some rights reserved. This book is CC-BY-4.0 licensed. You can copy, modify, distribute and perform the work, even for commercial purposes, all without asking permission. For full terms of use and attribution, http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

This book was made possible by Pratham Books' StoryWeaver platform. Content under Creative Commons licenses can be downloaded, translated and can even be used to create new stories provided you give appropriate credit, and indicate if changes were made. To know more about this, and the full terms of use and attribution, please visit the following link.
Images Attributions:
Page 11: A camel covered with snow, by Jitendra Thakur© Room to Read, 2016. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license.
Page 12: Two mice playing, byJitendra Thakur© Room to Read, 2016. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 13: A camel with two mice jumping off its humps, by Jitendra Thakur© Room to Read, 2016. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license.
Page 14: A camel looking at two mountains, by Jitendra Thakur© Room to Read, 2016. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license.
Disclaimer: https://www.storyweaver.org.in/terms_and_conditions

Some rights reserved. This book is CC-BY-4.0 licensed. You can copy, modify, distribute and perform the work, even for commercial purposes, all without asking permission. For full terms of use and attribution, http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

کوه روان (فارسی)
بود و نبود، غیر از خدا هیچکس نبود. یک شتر بود که روزی در صحرا با توفان مواجه شد و در زیر ریگ‌ها بند ماند. فقط کوهانش دیده می شد و بس. دو سنگ‌پشت، کوهان شتر را دیده، خیال کوه کردند و روی آن بالا شدند. اما، وقتی این «کوه» شروع به راه رفتن کرد، سنگ‌پشت‌ها او را «کوه روان» نام ماندند. وقتی چند بار، شتر راه کوه روان خطاب کردند، او به جستجوی کوه واقعی پرداخت. آیا او می‌تواند آن را پیدا کند؟
سطح خوانش این کتاب ۲ است و برای کودکانی در نظر گرفته شده است که می‌توانند بعضی از کلمات را شناسایی کنند و کلمات جدید را با کمک دیگران بخوانند.

PRATHAM BOOKS
storyweaver

Pratham Books goes digital to weave a whole new chapter in the realm of multilingual children's stories. Knitting together children, authors, illustrators and publishers. Folding in teachers, and translators. To create a rich fabric of openly licensed multilingual stories for the children of India and the world. Our unique online platform, StoryWeaver, is a playground where children, parents, teachers and librarians can get creative. Come, start weaving today, and help us get a book in every child's hand!